



Typology of the Interpretive Narrations of the Ahl al-Bayt (AS) Regarding the Mutashabih (ambiguous) Verses of the Qur'an

Seyyed Mahmoud Tayyeb Hosseini ¹ 
Tahereh Latifi Pakdeh ² 

Abstract

This research examines the typology of the interpretive narrations of the Ahl al-Bayt (AS) in dealing with the Mutashabih (ambiguous) verses of the Qur'an. The main issue of the study is to identify the types of interpretive narrations and analyze their role in resolving ambiguities and similarities in the Qur'anic verses. The importance of the topic stems from the fact that Mutashabih verses, due to their conceptual ambiguities, have always been a challenge for exegetes, and the narrations of the Ahl al-Bayt (AS), as authoritative interpretive sources, play a key role in explaining these verses. The research method is qualitative and descriptive-analytical; data were purposefully collected from Shiite interpretive and hadith sources and examined using qualitative content analysis. The findings indicate that the interpretive narrations of the Ahl al-Bayt (AS) are broadly classified into two categories: those pertaining to the apparent meaning of the verses and those explaining their instances. Each category employs methods such as lexical clarification, explanation of the context of revelation, elaboration of key concepts, criticism of incorrect narrations and interpretations, and Jarī wa Taṭbīq (application and adaptation), to resolve ambiguities and clarify the meanings of the verses. This research provides a theoretical framework for the typology of interpretive narrations and demonstrates that the Ahl al-Bayt (AS) utilized a systematic and purposeful methodology in interpreting Mutashabih verses.

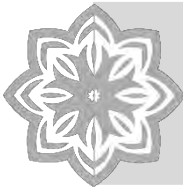
Keywords: Interpretive Narrations, Ahl al-Bayt (AS), Mutashabih (ambiguous) Verses, Typology, Jarī wa Taṭbīq (Application and Adaptation).

Citation: Tayyeb Hosseini. S.M., Latifi Pakdeh. T. (2025). "Typology of the Interpretive Narrations of the Ahl al-Bayt (AS) Regarding the Mutashabih (ambiguous) Verses of the Qur'an". *Hadith-based Qur'anic Research*, 1 (2), 24-43. (In Persian)

* Received: 2025/03/05, Revised: 2025/06/15, Accepted: 2025/06/22.

1. Professor, Department of Qur'anic Studies, Research Institute of Hawza and University, Qom, Iran. Email: Tayebh@rihu.ac.ir.

2. Level 4 Student in Comparative Exegesis, Masoumieh Higher Education Institute, Qom, Iran. Corresponding Author Email: Tahrh9285@gmail.com.



گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام ذیل آیات متشابه قرآن

سید محمود طیب حسینی^۱
طاهره لطیفی پاکده^۲

چکیده

این پژوهش به گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در مواجهه با آیات متشابه قرآن پرداخته است. مسئله اصلی تحقیق، شناسایی انواع روایات تفسیری و تحلیل نقش آن‌ها در رفع ابهامات و تشابهات آیات قرآن است. اهمیت موضوع از آنجا ناشی می‌شود که آیات متشابه به دلیل ابهامات مفهومی، همواره برای مفسران چالش بوده و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان منابع معتبر تفسیری، نقش کلیدی در تبیین این آیات ایفا می‌کنند. روش تحقیق کیفی و به شیوه توصیفی - تحلیلی است؛ داده‌ها از منابع تفسیری و حدیثی شیعه به صورت هدفمند گردآوری و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در دو دسته کلی ناظر به ظاهر آیات و بیان مصادیق تقسیم‌بندی می‌شوند و هریک با روش‌هایی مانند: ایضاح لفظی، بیان شأن نزول، توضیح مفاهیم کلیدی، نقد روایات و تفاسیر ناصحیح، جری و تطبیق، به رفع تشابه و تبیین معانی آیات کمک می‌کنند. این پژوهش چارچوبی نظری برای گونه‌شناسی روایات تفسیری ارائه کرده است و نشان می‌دهد که اهل بیت علیهم‌السلام از روش‌شناسی نظام‌مند و هدفمندی در تفسیر آیات متشابه بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: روایات تفسیری، اهل بیت علیهم‌السلام، آیات متشابه، گونه‌شناسی، جری و تطبیق.

استناد: طیب حسینی، سید محمود؛ لطیفی پاکده، طاهره (۱۴۰۴). «گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام ذیل آیات متشابه قرآن». قرآن‌پژوهی روانی، ۱ (۲)، ۲۴-۴۳.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱.

۱. استاد گروه قرآن‌پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: Tayebh@rihu.ac.ir.

۲. سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی معصومیه، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Tahrh9285@gmail.com.

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، انسان‌ها را به سوی سعادت و کمال رهنمون می‌سازد، اما فهم تمام آیات آن یکسان نیست. برخی آیات به دلیل پیچیدگی مفهومی، استفاده از استعاره‌ها و بیان مسائل غیبی، نیازمند تفسیر دقیق و علمی هستند. یکی از مباحث اساسی در علوم قرآنی، تفکیک آیات محکم از متشابه است که قرآن کریم به آن اشاره نموده است (آل عمران: ۷). آیات محکم، آیات روشنی هستند که مقصود آن‌ها آشکار است و نقش مبنایی در تفسیر سایر آیات دارند، اما آیات متشابه، آیاتی هستند که ظاهر آن‌ها موجب ابهام شده است و نیازمند تأویل و تفسیر صحیح هستند.

از زمان نزول قرآن کریم تاکنون، مفسران و متفکران علوم قرآنی همواره کوشیده‌اند تا متشابهاات را فهم و تبیین کنند. با این حال، دیدگاه‌های گوناگونی در تفسیر این آیات مطرح شده است. برخی از مفسران متشابهاات را بر اساس روش‌های عقلی و اجتهادی تفسیر کرده‌اند؛ درحالی‌که برخی دیگر، به تفاسیر نقلی و روایی تکیه داشته‌اند. در این میان، مکتب تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. آنان نه تنها در مقام تبیین معانی ظاهری آیات برآمده‌اند، بلکه با بهره‌گیری از تأویل، تطبیق و جری، پرده از لایه‌های باطنی و معنایی قرآن برداشته‌اند.

اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان مفسران حقیقی قرآن، درک کاملی از معانی عمیق و لایه‌های پنهان آیات داشتند. آنان به عنوان راسخان در علم - همان‌گونه که در احادیث و روایات نقل شده است - علاوه بر بیان تفسیر محکمات، ابهامات آیات متشابه را نیز روشن ساختند. امام علی علیه‌السلام در خطبه نخست نهج البلاغه، از نقش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تفسیر و توضیح محکم و متشابه یاد نموده و می‌فرمایند که او قرآن را با بیان احکام و تفکیک میان محکم و متشابه، برای مردم روشن ساخت (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱). این سخن نشان می‌دهد که شناخت صحیح متشابهاات، امری مهم در فهم قرآن است و نیازمند مرجعی آگاه به علوم الهی می‌باشد. با وجود تلاش‌های گسترده در عرصه تفسیر، همچنان چالش‌های بسیاری در فهم آیات متشابه باقی مانده است. بسیاری از اختلاف‌نظرهای تفسیری در میان مذاهب اسلامی، به دلیل برداشت‌های متفاوت از متشابهاات قرآن شکل گرفته است. برخی فرق، مانند مشبّهه و مجسمه، با تفسیر نادرست آیات مربوط به صفات الهی، تصاویری جسمانی از خداوند ارائه داده‌اند که در تضاد آشکار با اصل توحید است. این درحالی است که اهل بیت علیهم‌السلام با روش تفسیری صحیح، این‌گونه برداشت‌های نادرست را اصلاح کرده و مسیر صحیح فهم قرآن را نشان داده‌اند.

بررسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد که آنان رویکردی نظام‌مند در تفسیر متشابهاات قرآن داشته‌اند. این روش شامل بیان معانی ظاهری و باطنی آیات، ارائه مصادیق تطبیقی، نقد برداشت‌های نادرست و تأکید بر ارتباط میان محکمات و متشابهاات است. در بسیاری از موارد، اهل بیت علیهم‌السلام متشابهاات را با محکمات تفسیر کرده و بر این نکته تأکید داشته‌اند که آیات متشابه را نباید بدون در نظر گرفتن بستر کلی قرآن درک کرد.

با توجه به این مباحث، گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند افق‌های جدیدی در مطالعات تفسیری و حل معضل آیات متشابه بگشاید. تاکنون در زمینه تفاسیر روایی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که تنها به جمع‌آوری و تحلیل برخی از روایات تفسیری پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها چارچوب مشخصی برای گونه‌شناسی این روایات و نقش آن‌ها در تفسیر متشابهات قرآن ارائه نکرده‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است تا یک چارچوب علمی برای گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین آیات متشابه ارائه کند. این مقاله با هدف بررسی و طبقه‌بندی گونه‌های مختلف روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیات متشابه با رویکردی توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤالات است:

چگونه می‌توان روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام را در مواجهه با آیات متشابه دسته‌بندی کرد؟ چه گونه‌هایی از روایات تفسیری در این حوزه مطرح است و چگونه به فهم بهتر متشابهات کمک می‌کنند؟

۲- پیشینه تحقیق

با وجود اهمیت موضوع گونه‌شناسی روایات تفسیری در آیات متشابه، پژوهش‌های مستقلی که به‌طور جامع به این مسئله پرداخته باشند، کمتر در دسترس هستند. تاکنون مطالعات مختلفی در زمینه گونه‌شناسی روایات تفسیری انجام شده است که عمدتاً به بررسی کلی این روایات متمرکز بوده‌اند و به نقش آن‌ها در رفع تشابه آیات متشابه نپرداخته‌اند. برخی پژوهش‌های مرتبط که در این حوزه انجام شده‌اند، عبارت‌اند از:

«گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه‌السلام با تأکید بر تفسیر روایی نور الثقلین» (نورمحمدی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۴-۹۷). این پژوهش به گونه‌های تفسیری امام علی علیه‌السلام در تفسیر نور الثقلین پرداخته است، اما تحلیل آن محدود به این اثر تفسیری بوده و به‌صورت عام روایات تفسیری ذیل تمام آیات را بررسی کرده و نگاه ویژه به آیات متشابه قرآن در سایر منابع تفسیری نداشته است.

«گونه‌شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه‌السلام در سوره بقره با تکیه بر تفسیر احسن الحديث» (احسانی و حیدری، ۱۳۹۸، ص ۸-۳۲). این تحقیق به‌طور خاص به روایات تفسیری امام صادق علیه‌السلام در سوره بقره پرداخته و نقش ایشان را در توضیح معانی قرآن بررسی کرده است، اما بر آیات متشابه در این سوره و سایر سوره‌های قرآن تمرکز نکرده و چارچوبی برای گونه‌شناسی کلی ارائه ننموده است.

«پژوهشی نو در گونه‌شناسی مدالیل روایات تفسیری و فواید آن» (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۷، ص ۴۵-۷۶) نیز به بررسی معانی و کارکردهای روایات تفسیری پرداخته است، اما تحلیل آن عموماً بر مفهوم‌شناسی و مدالیل روایات تفسیری متمرکز بوده و به گونه‌شناسی این روایات در حل متشابهات قرآن توجه نکرده است. «گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در سوره لقمان» (ناصر و بهرامی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۲-۲۱۴) که به بررسی گونه‌های تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در سوره لقمان پرداخته و نقش روایات در تفسیر این سوره را تحلیل نموده است، اما توجهی به آیات متشابه قرآن نداشته و تنها به یک سوره خاص محدود شده است.

این پژوهش‌ها به بررسی بخشی از روایات تفسیری پرداخته‌اند و هیچ‌یک به‌طور خاص، گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیه السلام در تفسیر آیات متشابه را مورد تحلیل قرار نداده‌اند؛ درحالی‌که پژوهش حاضر تلاش دارد تا این خلأ علمی را پر کرده و با ارائه یک چارچوب علمی برای گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیه السلام، نقش این روایات را در رفع تشابه از آیات متشابه قرآن کریم تحلیل نماید.

۳- مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث شایسته است به تبیین برخی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی پرداخته شود:

۳-۱- متشابه

واژه متشابه از ماده شبه (به کسر شین) و شبه (به فتح شین) به معنای مثل و مانند است. «متشابه» درباره چیزهایی به کار می‌رود که بخشی از آن با بخش دیگرش مشابهت دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۸۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل ماده شبه). ابن فارس نیز ماده «ش ب ه» را دارای اصل و ریشه واحدی می‌داند که بر تشابه و هم‌شکلی در رنگ و وصف دلالت دارد و «شبه» را جواهرات طلا نما معنا می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۴۳). جوهری نیز متشابهات را به متماثلات، یعنی چیزهای مثل هم، معنا کرده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۶۳۲).

اما علامه طباطبایی درباره معنای اصطلاحی متشابه می‌نویسد: در میان علمای اسلام در معنای محکم و متشابه اختلاف بوده و نزدیک به بیست قول وجود دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷). سیوطی نزدیک به همین تعداد، آراء مفسران کهن را گزارش کرده است و با اشاره به دیدگاه‌های مختلف علما، به تقسیم‌بندی آیات در چهار دسته ظاهر، نص، مُفسّر و مُجمل اشاره می‌کند. در این تقسیم‌بندی، ظاهر را آیاتی که معنای آشکاری دارند، هرچند ممکن است معنای دیگری نیز از آن‌ها استنباط شود و متشابه را آیاتی که معنای آن‌ها به‌طور کلی مبهم است و بدون قرینه یا دانش تخصصی قابل فهم نیست، تعریف می‌کند (سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۴۱). بر این اساس، سیوطی «ظاهر» را در زمره محکّمات جای می‌دهد، زیرا معنای آشکار و مستقیم آن برای مخاطب قابل درک است، حتی اگر احتمالات تأویلی دیگری وجود داشته باشد. متشابهات، برعکس، فاقد چنین وضوحی هستند و نیازمند تفسیر یا تأویل ویژه‌اند. روشن شد که از سوی دانشمندان اسلامی تعاریف متفاوت و متنوعی از محکم و متشابه ارائه شده است. این تعاریف از سه زاویه ماهیت تشابه، گستره مفهومی تشابه و گرایش‌های علمی قابل بررسی است.

در باب ماهیت تشابه، چهار دیدگاه وجود دارد. در باب گستره مفهومی تشابه دو دیدگاه عام و خاص وجود دارد. در حوزه گرایش نیز سه نوع گرایش علمی متفاوت نسبت به تشابه وجود دارد:

۱. در گرایش تفسیری بر اساس آیه ۷ سورة آل عمران، متشابه عبارت است از آیه‌ای که به‌رغم وضوح دلالتی و ظاهری تردید در مقصود آن موجب اشتباه مفسران است و این اشتباه تنها با رجوع به محکّمات قابل رفع

است. ۲. در گرایش فلسفی-کلامی، متشابه معطوف به شبهات و معضلات عقلی در آیات بوده و عمدتاً در ارتباط با حوزه صفات الهی و احوال عالم غیب است. ۳. در گرایش اصولی-ادبی هر آیه تا زمانی که در حالت نص یا ظهور به معنا قرار دارد، محکم است اما همین که به هر دلیلی اعم از شبهه و مشکل لفظی یا معنایی از حالت نص و ظهور خارج شده و به دایره اجمال، اشتراک و یا معنای مؤول وارد شود، متشابه می‌گردد (ر.ک: اسعدی و طیب حسینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷-۴۸).

به منظور توضیح گرایش سوم و در مقایسه میان اصطلاحات متشابه، مجمل، مبین، ظاهر و نص، می‌توان تفاوت‌ها و ویژگی‌های هریک را به شرح زیر بیان کرد تا معنای اصیل متشابه در این گرایش، آشکار شود:

۱. متشابه: لفظی است که ظهور در چند معنا دارد بدون وجود هیچ قرینه‌ای (شاهد یا نشانه) در کلام متکلم که اراده یکی از آن معانی، یا همه یا برخی از آن‌ها را مشخص کند. برای مثال در آیه «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» (مانده: ۶)، کلمه «إِلَى» متشابه است؛ زیرا هم می‌تواند به معنای محدوده (شستن دست‌ها تا آرنج) باشد و هم به معنای جهت (شستن در جهت آرنج). اما هیچ قرینه‌ای در خود آیه وجود ندارد که یکی از این دو معنا را ترجیح دهد. بنابراین ویژگی کلیدی متشابه، ابهام ناشی از فقدان قرینه درونی یا بیرونی برای تعیین مراد متکلم است.

۲. ظاهر: لفظی است که دلالت روشن بر یک معنا دارد، اما احتمال معانی دیگر نیز به صورت ضعیف وجود دارد. تفاوت آن با متشابه این است که در ظاهر، یک معنا غالب و احتمال معانی دیگر کم اهمیت‌تر است، اما در متشابه، چند معنا به صورت برابر مطرح‌اند و هیچ‌یک غالب نیستند. به عنوان نمونه، اگر گفته شود «خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ»، ظاهراً به معنای خروج فیزیکی از خانه است، اما احتمال معنای مجازی (مانند خروج از وضعیت ذهنی) نیز به صورت ضعیف وجود دارد.

۳. نص: لفظی است که دلالت قطعی و بدون احتمال خلاف بر یک معنا دارد. تفاوت آن با متشابه این است که نص کاملاً شفاف و بدون ابهام است، در حالی که متشابه چندمعنایی است و هیچ معنایی در آن قطعی نیست. برای نمونه «حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ» نص است؛ زیرا دلالت روشن و بدون ابهام بر حرمت شراب دارد.

۴. مجمل: لفظی است که هیچ دلالت روشنی بر معنا ندارد و نیازمند توضیح خارجی (بیان) است. تفاوت آن با متشابه این است که مجمل حتی یک معنای غالب نیز ندارد، در حالی که متشابه چند معنای محتمل و مساوی دارد. برای نمونه کلمه «قُرْء» در آیه «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرْءٍ» (بقره: ۲۸۸) مجمل است؛ زیرا مشخص نیست به «طهر» (دوران پاکی) اشاره دارد یا «حیض» (عادت ماهانه).

۵. مبین: لفظ یا عبارتی است که به صورت روشن و بدون نیاز به تفسیر، معنای خود را بیان می‌کند. تفاوت آن با متشابه این است که مبین کاملاً شفاف بوده و هیچ ابهامی ندارد، در حالی که متشابه چندمعنایی است. برای نمونه «اقِيمُوا الصَّلَاةَ» (بقره: ۴۳) مبین است؛ زیرا معنای کلی آن روشن است، هرچند جزئیاتش نیاز به توضیح دارد.



بررسی و تحلیل این تعاریف گویای این است که عالمانی چون راغب اصفهانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۷-۲۶۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳-۴۱؛ ابن قتیبه، ۱۳۹۳ق، ص ۱۰۱-۱۰۲)، با صرف نظر از مفاد خاص فرهنگ قرآنی - روایی، به تحلیل تشابه و احکام با نگاهی از سنخ نگاه اصولی و دلالت‌شناسانه پرداخته‌اند و مقوله‌ای تعبدی و صرفاً درون‌دینی برای آن در نظر نگرفته‌اند. در مقابل، تضییق معنایی آن دو و محدود ساختن به حوزه‌های خاصی از تشابه و احکام ناشی از نگاهی درون‌دینی و تعبدی است. تعاریفی که با این نگاه صورت گرفته است نیز گاه قرآن‌محور و گاه روایت‌محور است (مانند تعاریفی که قدمای معتزله چون واصل بن عطا و ابو مسلم بحر اصفهانی آورده‌اند) (ر.ک: اشعری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۲). تعریف مورد پذیرش مقاله حاضر، معروف‌ترین تعریف متشابه در میان علما، یعنی تعریف بر اساس گرایش تفسیر است. بنابراین متشابه عبارت از آیه‌ای است که به‌رغم وضوح دلالتی و ظاهری، تردید در مقصود آن موجب اشتباه مفسران بوده و این اشتباه تنها با رجوع به محک‌های قابل رفع است (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۲).

۳-۲- گونه‌شناسی

واژه «گونه» را در لغت به معنای رنگ، نوع، رخ، سیما و نیز قسمت گوشتی زیر چشم‌ها و کنار بینی و دهان، لُپ و همانند چیزی معنا کرده‌اند (معین، ۱۳۸۲، ذیل واژه گونه). آنچه در دانش علوم انسانی و مباحث نظری استفاده می‌شود همان معنای نوع است و در علوم تجربی و زیست‌شناسی معنای رخ، شکل و رنگ کاربرد دارد؛ بنابراین وقتی این واژه با پسوند «شناسی» استعمال می‌شود، به معنای شناخت انواع هر چیزی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، در علوم انسانی و اجتماعی، گونه‌شناسی به فرآیند دسته‌بندی و سازماندهی اطلاعات بر اساس ویژگی‌های مشخص و معیارهای تعیین شده اطلاق می‌شود. این معیارها ممکن است عینی و قابل مشاهده (مانند جنسیت، سن و نژاد) یا ذهنی و مبتنی بر رویکردهای انتزاعی (مانند ایدئولوژی یا باورهای خاص) باشند (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۸۲۶).

در تعریفی دیگر، گونه‌شناسی به عنوان ابزاری مفهومی توصیف شده است که امکان تشخیص و تفکیک گونه‌ها را از طریق گردآوری ویژگی‌های متمایزکننده فراهم می‌کند. هنگامی که فرد با مجموعه‌ای از پدیده‌های هم‌خانواده اما متفاوت مواجه است، گونه‌شناسی با تمرکز بر خصوصیات خاص هر گروه، الگوهای ذهنی یا مدل‌های نظری ایجاد می‌کند که به درک نظام‌مند تفاوت‌ها و تشابهات کمک می‌نماید (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۴۳۵). این تعاریف، نشان می‌دهند که گونه‌شناسی فراتر از یک طبقه‌بندی ساده، به ایجاد الگوهایی می‌پردازد که پایه‌ای برای تبیین نظری پدیده‌ها فراهم می‌آورند.

گونه در اصطلاح دانشمندان علوم قرآن و تفسیر، به معنای دسته‌بندی روایات تفسیری بر اساس تعیین نسبت آن با آیه است. بدین ترتیب، متخصصان این حوزه در آثار خود چنین دسته‌بندی‌هایی را گونه‌شناسی اطلاق کرده‌اند (قمرزاده و خدابنده‌لو، ۱۴۰۰، ص ۹-۲۸). با توجه به حجم گسترده روایات تفسیری اهل بیت

علیه السلام ذیل آیات متشابه و تنوع آن‌ها، و نیز توجه به این نکته که مفسران، بدون تقسیم‌بندی خاصی روایات را ذیل آیات آورده‌اند؛ به نظر می‌رسد می‌توان این روایات را از نظر گونه‌شناسی به انواعی تقسیم کرد که هرگونه، کارکرد ویژه‌ای را دنبال نماید.

بنابراین پژوهش حاضر با هدف ایجاد یک چارچوب ساختاریافته برای دسته‌بندی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام درباره آیات متشابه انجام شده است. این چارچوب به جای پرداختن به جزئیات یا معرفی الگوهای تفسیری مختلف، به دسته‌بندی روایات بر اساس شیوه‌های رفع ابهام از آیات تمرکز دارد. هدف نهایی، تسهیل دسترسی به داده‌های روایی، مقایسه آسان‌تر آن‌ها و کمک به درک نظام‌مند و عمیق‌تر از چگونگی رفع تشابه در آیات قرآن است.

۳-۳- روایات تفسیری

واژه «روایت» مصدر فعل «رَوَى، یروی»، به معنای حمل کردن و نقل کردن است. «روی البعیر الماء»، یعنی شتر آب را حمل کرد، و «رَوَى الحديث، یرویه، رواية»، یعنی حدیث را آموخت و نقل کرد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۱۳). در اصطلاح علوم حدیث برای «روایت» تعاریف گوناگونی بیان شده است. مراد از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، روایات ناظر به تفسیر قرآن و بیان و توضیح معانی و مقاصد قرآن است (طیب‌حسینی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۸). با توجه به اینکه بخشی از روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام در حوزه بیان معانی و مقاصد قرآن، ناظر به معانی باطنی آیات شریفه و تأویل آن‌هاست، می‌توان به «روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام» از دو جهت پرداخت:

یک جهت آن است که روایات تفسیری در برابر روایات تأویلی و باطنی باشد. بر اساس این برداشت، روایات تفسیری محدود و منحصر به آن بخش از روایات اهل بیت علیهم السلام می‌شوند که به تفسیر آیاتی از قرآن پرداخته باشند؛ لذا این برداشت آن بخش از روایات معصومان علیهم السلام را که به بیان معانی باطن و تأویلی آیات قرآن پرداخته‌اند، شامل نمی‌شود؛

جهت دوم آن است که مقصود از روایات تفسیری، هرگونه روایتی است که درصدد بیان معنایی از آیات قرآن باشد، خواه معنای ظاهر آیات باشد که اصطلاحاً به آن تفسیر گویند و خواه معنای باطنی و تأویلی آیات شریفه. بر پایه این برداشت، همه روایات نقل شده از اهل بیت پیامبر ﷺ که درصدد بیان معنایی از آیات قرآن - اعم از معنای ظاهری یا باطنی آیات - هستند، روایات تفسیری تلقی می‌شوند.

در این پژوهش مقصود از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، برداشت دوم است و به منظور کشف گونه‌های روایات اهل بیت علیهم السلام در حل آیات متشابه، هر روایتی که در منابع تفسیر روایی شیعه ذیل این آیات آمده است در زمره موضوع بحث این تحقیق خواهد بود.

۴- گونه‌شناسی روایات تفسیری آیات متشابه

روایات تفسیری در حقیقت روایات ناظر به تبیین قرآن‌اند و به فهم مدلول آیات و درک مراد خداوند یاری می‌رسانند. روایات تفسیری به گونه‌های متعددی با آیات قرآن ارتباط دارند و دارای کارکردهایی مختلف هستند. این روایات گاه ناظر به ظاهر آیه بوده و آن را به گونه‌ای صریح تفسیر می‌کنند؛ گاه ناظر به باطن و لایه درونی آن هستند و آن را تأویل می‌نمایند و گاه با اشاره به مضمون آیه، به صورت غیرمستقیم و غیرصریح به درک مقصود آیه یاری می‌رسانند.

۴-۱- روایات تفسیری ناظر به ظاهر آیه

روایات تفسیری ناظر به مفاهیم ظاهری آیات، با دستیابی به آگاهی‌های سودمند درباره واژگان، ترکیب‌ها و ساختار آیات و اسباب و فضای نزول، مفسر را در فهم لایه سطحی قرآن کمک می‌کنند. این روایات همچنین، با ارائه مصداق‌ها افزون بر روشن کردن وظیفه عملی، فهم عمیق معنای آیه و درک بهتر مقصود خداوند را نیز میسر می‌نمایند. همچنین در رویارویی با برداشت‌ها و تفسیرهای نادرست از قرآن کارایی دارند (مسعودی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۶).

بنابراین روایات تفسیری ذیل آیات متشابه، به چهار دسته قابل تقسیم هستند:

۴-۱-۱- ایضاح لفظی

بسیاری از کلمات قرآن از زندگی مادی عرب گرفته شده‌اند، اما در همان معنای مادی و حسی و رایج میان مردم به کار نرفته و از روی مجاز در معنایی نزدیک و مرتبط با آن به کار رفته‌اند. فهم این معانی مجازی از قرآن کریم گاه برای مسلمانان و حتی بسیاری از دانشمندان سده‌های نخست اسلامی دشوار آمده، به برداشت‌های نادرستی از قرآن مجید انجامیده و آیه را جزء متشابهات قرار داده است.

اوج این دشواری در فهم کلمات و آیات و انحراف در تفسیر قرآن، درباره صفات خدای تعالی است که گروه‌هایی از مسلمانان به دلیل فهم و تفسیر نادرست آن‌ها، سر از اعتقاد به تشبیه خداوند به بندگان در آورده‌اند. یکی از نقش‌های اهل بیت علیهم‌السلام در اینجا، ارائه معنا و تفسیری صحیح از کلمات قرآن و پاسداری از باورهای صحیح مسلمانان بوده است؛ بنابراین، مراجعه به روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند معنای صحیح و مقصود آن واژه که معنایی مجازی است (و نه معنای ظاهری و مشهور و متبادر لفظ) را به مفسر دهد و آیه را از تشابه خارج کند.

برای نمونه نقل‌گرایان اهل حشو بر این باورند که عرش، تخت فرمان‌روایی خداوند متعال است که بر آن چهار زانو می‌نشینند (ابن کثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰). از این رو، در روایتی از امام رضا علیه‌السلام «عرش» کنایه از قدرت و در روایتی از امام صادق علیه‌السلام به علم خدا تفسیر شده است. داوود رقی گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه شریفه «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» پرسیدم، امام فرمود: آنان چه می‌گویند؟ گفتم: آن‌ها می‌گویند که عرش خدا بر روی آب است و پروردگار روی عرش قرار دارد. حضرت فرمود: دروغ می‌گویند. هرکس



چنین بپندارد خدا را قابل حمل پنداشته و او را با صفات مخلوقات وصف کرده است. لازمه این سخن آن است که عرش حامل خدا، قوی تر از خدا باشد. به امام گفتیم: شما معنای آیه را برایم بیان کنید. امام فرمود: مقصود آیه این است که خداوند پیش از آنکه زمین یا آسمان یا جن یا انسان یا خورشید یا ماه باشد، دینش و علمش را بر آب حمل کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۹).

در روایت دیگری از آن حضرت علیه السلام آمده است که عرش خدا علم خداست و احدی قدر و اندازه آن را نمی داند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲۸). مطابق با این روایت، مقصود از عرش خدا علم خداست، نه قدرت (ر.ک: مشهدی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۱۲۷). همچنین ذیل آیه ۱۳ سورة مریم، رسول خدا صلی الله علیه و آله در تبیین معنای واژه «حَنَانًا» فرمودند: «وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا، یعنی محبت و رحمت برای پدر و مادرش و سایر بندگان ما؛ وَزَكَاةً؛ یعنی [مایه] پاکی برای کسی که به او ایمان آورد و تصدیقش کرد؛ وَكَانَ تَقِيًّا؛ از بدی ها و گناهان پرهیز می کرد» (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۶۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۱۸۵ و ج ۳۷، ص ۴۸).

تقریباً همین معنا از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است. ابوحمزه گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: «منظور خداوند از عبارت «وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا» در مورد یحیی علیه السلام چیست؟ ایشان فرمودند: «مهربانی و عطوفت خدا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۱۶۴؛ جزائری، ۱۳۸۱، ص ۳۹۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۰۴). در این دو روایت، امام معصوم علیه السلام با تبیین و شرح واژه «حَنَانًا» شبهه وارد به این آیه یعنی «اجبار در هدایت و ضلالت» را برطرف کرده است (معرفت، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۸۳).

نمونه های دیگری از این گونه روایات را می توان ذیل آیات شریفه ۲ بقره (واژه «هُدًی») (نوری طبرسی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۲۹۶)؛ ۶ بقره (واژه «انذار») (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۳۰۷)؛ ۱۰۱ انعام (واژه «بدیع») (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۵۱)؛ ۱۱ رعد (واژه «معقبات») (همان، ج ۲، ص ۴۸۷)؛ ۱۴ ملک (واژه «لطیف») (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۹) و ... مشاهده کرد.

۴-۱-۲- بیان شأن نزول

بخش مهمی از روایات تفسیری، روایاتی است که فضا و رویدادهای مقارن با نزول آیات را بیان می کند؛ مانند حدیث کسا که مبین فضای نزول آیه تطهیر است. این حدیث، از روایات مستفیض است و شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده اند.

ام سلمه که شاهد نزول این آیه در خانه خود بوده است می گوید: فاطمه علیها السلام با دیگی سنگی آمد که در آن خزیره (نوعی آش) بود. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شوهرت و دو پسرت را نزد من فرا بخوان». علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام آمدند و از آن غذا خوردند؛ درحالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر بود و زیر ایشان عبایی خیری بود. ام سلمه می گوید: من درون اتاق نماز می خواندم که این آیه نازل گردید: «خداوند می خواهد پلیدی را از

خانمان شما دور کند و پاک و پاکیزه‌تان بگرداند». پیامبر ﷺ دنباله عبا را گرفت و بر سر ایشان کشید و دستانش را از عبا بیرون آورد و به دعا برافراشت و گفت: «خدایا! اینان خاندان و خاصان و نزدیکان من هستند، از اینان پلیدی را دور ساز و پاک و پاکیزه‌شان کن.» من سر درون اتاق کردم و گفتم: «ای پیامبر خدا! من هم با شما هستم؟» پیامبر ﷺ فرمود: «توبه‌سوی خیر و خوبی هستی، توبه‌سوی خیر و خوبی هستی» (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۱۵).

آشنایی با فضای نزول آیات سهم فراوانی در فهم مراد الهی و رفع تشابه آیات دارد؛ چنان‌که روایت مذکور، مصداق «اهل البیت» را در آیه تطهیر روشن می‌کند و نشان می‌دهد که شامل همسران پیامبر ﷺ نمی‌شود. نمونه‌های بیشتری از این نوع روایات را می‌توان ذیل آیات ۶ بقره (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۸۹) و ۹۴ مؤمنون (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۹) یافت.

۴-۱-۳- توضیح مفاهیم کلیدی

برخی از روایات اهل بیت علیه السلام ذیل آیات مشابه، به روشن نمودن عناصر کلیدی و مفاهیم کانونی آیه می‌پردازند و از این طریق تشابه آیات را رفع می‌کنند، مانند تفسیر «استدراج» در آیه «سَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۱۸۲)، از آنجاکه طرفداران نظریه «جبر الهی» در هدایت و گمراهی، مانند متکلمان اشعری، این آیه را شاهی بر اعتقاد خود به حاکمیت مطلق خداوند بر سرنوشت انسان و عبارت «سَسْتَدْرِجُهُمْ» را نشان‌دهنده عمل مستقیم خداوند در گمراه کردن کافران به‌عنوان پیامد تکذیب مستمرشان می‌دانند و تأکید می‌کنند که اراده خداوند علت نهایی همه افعال، از جمله انتخاب‌های انسان است (معرفت، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۱۲).

در روایتی آمده است که امام کاظم علیه السلام درباره این آیه فرمود: «با جدید شدن گناهان نعمت‌های تازه‌ای به آنان می‌دهد» (جمعی از علما، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳). همچنین امام صادق علیه السلام نیز همین مفهوم را این‌گونه توضیح داده‌اند: «خدا هرگاه خیری را برای بنده خود بخواهد و این عبد مرتکب گناهی شده باشد، او را پس از آن به مصیبتی دچار می‌کند و او را به یاد استغفار و طلب آمرزش می‌اندازد و هرگاه برای بنده‌ای بدی و شر بخواهد و این بنده مرتکب گناهی شده باشد، نعمتی را برای او فراهم می‌آورد تا استغفار و طلب آمرزش را فراموش کند و در گناه زیاده‌روی کند و این همان سخن خدای عزوجل است: به تدریج از جایی که نمی‌دانند، به وسیله نعمت‌ها در هنگام معصیت‌ها گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۲؛ صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۶۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۱۷).

با توجه به مجموعه چنین روایاتی، به‌دست می‌آید که «استدراج» به‌عنوان یک مفهوم کلیدی و یک سنت الهی، گونه‌ای به‌خود وانهادن است که گنهکار نافرمان، سزاوار آن بوده و خود بر اثر پافشاری بر انحراف و

گمراهی آن را برای خویش به ارمغان می‌آورد؛ از این رو، خداوند او را در تاریکی‌های این دنیای فریبنده که بسی را به دام فریب خود فرو کشیده است، تنها می‌گذارد؛ نه اینکه او را به اجبار گمراه می‌کند. همچنین، جبرگرایان با تمرکز بر آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ» (احزاب: ۳۳) ادعا می‌کنند که هدایت، طهارت و پاکی افراد، صرفاً به اراده خدا وابسته است، نه به اختیار یا تلاش انسان. به باور آنان، این آیه نشان می‌دهد که پاک‌سازی اهل بیت پیامبر ﷺ یک عمل کاملاً الهی است و انسان در آن نقشی ندارد و استدلال می‌کنند چنان‌که طهارت اهل بیت علیهم‌السلام بدون دخالت خودشان و به اراده خدا محقق شد، هدایت و گمراهی دیگران نیز تنها به خواست الهی بستگی دارد (معرفت، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴۰۵)؛ درحالی‌که از امیر مؤمنان ﷺ چنین نقل شده است که در تفسیر مفهوم کلیدی طهارت در آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) فرمودند: «خداوند ما را از زشتی‌های پیدا و پنهان پاک کرده است، پس ما راه حق را می‌پوییم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۲۱۳، ح ۴).

بنابراین، مفهوم طهارت، ویژه اهل بیت پیامبر ﷺ و این آیه درصدد بیان فضیلت ایشان است، نه نفی اختیار انسان؛ لذا نمی‌توان آن را به همه انسان‌ها تعمیم داد. یعنی این آیه، به معنای «توفیق ویژه الهی» است که همراه با اختیار و پذیرش فرد عمل می‌کند، نه اجبار محض.

امام رضا ﷺ خطاب به یونس بن عبدالرحمن، پس از اینکه به او فرمودند: «سخن قدری‌ها را باور نکن»، مفاهیم کلیدی مشیت، اراده و قدر الهی را چنین شرح دادند: «مشیت همان ذکر اول است؛ اراده، عزم بر چیزی که خواسته است؛ و تقدیر، وضع کردن حدود اجل‌ها و روزی‌ها و بقاء و فناء بوده، و قضا برپای داشتن عین [و به تحقیق رساندن آن] است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۱۶). امیر مؤمنان ﷺ در توضیح مفهوم کلیدی رجعت می‌فرمایند: «آیه «وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا» (اعراف: ۱۵۵) در رد قول منکران رجعت است؛ همانند داستان حضرت عزیر» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۱۸ و ج ۹۰، ص ۸۷). بنابر فرموده حضرت، رجعت یعنی بازگشت بعد از مرگ به این دنیای مادی و از سر گرفتن زندگی این دنیا.

شواهد دیگری از این نوع روایات نیز در دست است. برای نمونه، توضیح مفهوم «توکل» (شعراء: ۷۸) (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۷۴)، توضیح مفهوم «قضا» (اسراء: ۲۳) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۱۶)، توضیح مفهوم «عذاب استصلاح» (بقره: ۷) (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۵۵) و توضیح مفهوم «گناه کبیره» (بقره: ۱۰۲) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۸۵) نیز حکایتگر همین‌گونه روایات هستند.

۴-۱-۴- نقد روایات و تفسیرهای نادرست

بخشی از روایات تفسیری ذیل آیات متشابه ناظر به خطای برخی از مفسران صدر اسلام است. این مفسران با کناره گرفتن از اهل بیت علیهم‌السلام و محروم ماندن از دانش تفسیری ایشان، به برداشت‌های نادرستی از برخی

آیات قرآن رسیدند. اما مان پاره‌ای از این برداشت‌ها را نقد کرده و با بیان مفهوم درست آیات از تحریف معنوی قرآن پیشگیری نمودند. شماری از نمونه‌های این‌گونه روایات، ذیل آیات به ظاهر ناسازگار با عصمت انبیای الهی یافت می‌شوند. یک نمونه فراگیر که ناظر به چند تن از پیامبران بزرگ الهی است، در مناظره امام رضا علیه السلام با متکلمان دیگر ادیان مطرح شده است (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۰).

برخی دیگر از نمونه‌های این روایات، در رد روایات نادرستی است که عموماً اهل سنت از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند. برای نمونه، شیخ صدوق در روایتی از امام کاظم علیه السلام درباره روایت مشهور در میان عامه که حاکی از نزول خدا در هر شبانگاه به آسمان دنیاست، می‌فرماید: «خداوند فرود نمی‌آید و نیازمند فرود آمدن هم نیست. دیدگان او نسبت به دور و نزدیک فرقی ندارد. نه هیچ شیء نزدیکی از او دور می‌شود و نه شیء دوری به او نزدیک می‌شود؛ اما سخن کسانی که از نزول خدا گفته‌اند، مایه نسبت نقص یا زیادت به خداست؛ زیرا هر متحرکی نیازمند عامل محرک، یا محتاج زمینه و ابزاری است که به مدد آن حرکت کند» (صدوق، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۳).

همچنین در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام درباره روایت مشهور گذشته به صراحت آمده است که عامه، روایت پیامبر ﷺ را تحریف کرده‌اند و متن صحیح آن چنین است: «خداوند متعال در ثلث اخیر هر شب فرشته‌ای را به آسمان دنیا فرو می‌فرستد و شب جمعه، در همان آغاز شب می‌فرستد تا ندا دهد که آیا درخواست‌کننده نیازمندی هست تا حاجتش را روا کنم؟!» (صدوق، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۶).

قابل توجه است که به‌رغم تأکید بسیاری از عالمان اهل سنت بر حدیث مشهور گذشته، نسخه صحیح آن به گونه‌ای که از امام رضا علیه السلام نقل شد، در برخی مصادر اهل سنت با مضمونی مشابه آمده است (ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۳ق، ص ۴، ۲۲ و ۲۱۷؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۱۲۴؛ نسایی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۴۰؛ ابن حجر، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۰) که نشان از تأثیر این روایات دارد.

همچنین برخی از روایات موجود در تفاسیر روایی، با مسلمات اعتقادی و اموری مانند شأن ملائکه الهی همخوانی ندارند. برای نمونه، قرآن کریم در شرح ماجرای در دوران حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَ مَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ...» (بقره: ۱۰۲) چند روایت ساختگی، هاروت و ماروت را که در این آیه از آن‌ها یاد شده است، دو فرشته معترض و عصیانگر خوانده‌اند که به خلقت انسان خرده می‌گیرند و داوطلب فرود به زمین می‌شوند، ولی در جریان زندگی خود دچار همان گناهانی می‌شوند که بر فرزندان آدم علیه السلام عیب گرفته بودند (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۳۸-۶۴۳). در مقابل، امامان معصوم علیهم السلام نیز به رد و انکار این داستان پرداخته‌اند (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰۷۵؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴۴).

نمونه دیگر، روایات ساختگی ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعْضُهُ فَمَا فَوْقَهَا...» (بقره: ۲۶) است که مدعی شده‌اند مقصود از «بَعْضُهُ» امام علی علیه السلام است و «فَمَا فَوْقَهَا» به مگس اشاره دارد و منظور از آن، رسول خدا ﷺ است (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۵). امام باقر علیه السلام ضمن نقد و رد این معنای

نادرست، توضیح دادند که: «روزی پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ نشسته بودند که متوجه شدند فردی می‌گوید: «آنچه خدا بخواهد و محمد ﷺ بخواهد». و دیگری می‌گوید: «آنچه خدا بخواهد و علی ﷺ بخواهد». پیامبر ﷺ در پاسخ تأکید کردند که نباید محمد ﷺ و علی ﷺ را هم‌تراز خداوند قرار داد، بلکه باید گفت: «اگر خدا بخواهد، سپس محمد ﷺ و سپس علی ﷺ بخواهد». ایشان توضیح دادند که مشیت خداوند قاهر و بی‌نظیر است و هیچ اراده‌ای با آن برابری نمی‌کند. سپس با تشبیه جایگاه خود و امام علی ﷺ در برابر قدرت خداوند، فرمودند: محمد ﷺ در مقایسه با عظمت الهی، مانند مگسی است که در راه‌های گسترده پرواز می‌کند و علی ﷺ نیز همچون پشه‌ای در برابر این عظمت است. این بیان رسول خدا ﷺ نشان‌دهنده فروتنی ایشان و تأکید بر برتری مطلق اراده الهی است (امام عسکری ﷺ، ۱۴۰۹ق، ص ۲۷۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۶۱). این بررسی نشان می‌دهد که یکی از گونه‌های روایات تفسیری ذیل آیات متشابه، مربوط به نقد روایات ساختگی است.

نمونه‌های دیگری از این دست احادیث را می‌توان ذیل آیات شریفه ۲۶ و ۱۰۲ بقره مشاهده نمود (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴؛ کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۳۹۰ و ج ۵۶، ص ۳۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۴۷).

۲-۴- بیان مصادیق

برخی روایات تفسیری، به بیان مصادیق ظاهری و باطنی آیات متشابه اختصاص دارند که تحت دو عنوان «تطبیق» و «جری» به آن‌ها پرداخته شده است.

۴-۲-۱- تطبیق

تطبیق، حمل مفهوم بر مصداق و ارائه فرد خارجی برای مفهوم ذهنی است. مفهوم توسعه‌یافته تطبیق، حمل مفهوم کلی بر مفهوم محدودتر است. تطبیق، معنایی مستقل از جری است و همیشه نیازمند آن نیست؛ بنابراین، گاه بعد از جری آیه و استمرار بخشی به آن و گاه بدون جری، انجام می‌شود (مسعودی، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۶۱).

شماری از اسباب نزول‌ها، نشان‌دهنده نخستین مصداق از مفهوم آیه هستند و از این رو به فهم آیه کمک می‌کنند. افزون بر این، در روایات متعددی، اهل بیت ﷺ به عنوان مصداق‌های منحصر یا کامل یک آیه معرفی شده‌اند و آیه بر آن‌ها تطبیق داده شده است. این گونه روایات، در تفاسیر و کتاب‌های حدیث شیعه و به‌ویژه در روایات ناظر به فضایل و مناقب اهل بیت ﷺ، فراوان به چشم می‌آیند (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۳۶). تطبیق می‌تواند بر فرد آشکار، مصداق برتر یا انحصاری صورت پذیرد.

برای نمونه، مصداق «صراط مستقیم» در آیه ۶ سوره حمد، در روایتی از امام صادق ﷺ «خود اهل بیت ﷺ» و در روایتی از پیامبر ﷺ «راه انبیا» و در روایت دیگر «کتاب‌الله» معرفی شده است (حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰-۲۱).

مجموعه‌ای از روایات، آیه «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴) را بر اهل بیت علیهم السلام تطبیق داده‌اند، از جمله این روایت که پیامبر ﷺ فرمودند: «ای جبرئیل! منظور از مَنْ أَزْوَاجِنَا کیست؟» گفت: «خدیجه». پیامبر ﷺ فرمود: «و منظور از وَ ذُرِّيَّتَانَا؟» گفت: «فاطمه». و فرمود: «منظور از قُرَّةَ أَعْيُنٍ؟» گفت: «حسن و حسین». فرمود: «و منظور از وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؟» گفت: «علی بن ابی طالب» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۷؛ نسابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۱۳۵؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۱؛ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۴۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۵۵).

عبدالله بن خلیل از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که ایشان آیه «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ» (اعراف: ۴۳) را بر اهل بیت علیهم السلام تطبیق کرده و فرمودند: «این آیه درباره ما نازل شده است» (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۳۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۲۵۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۶۶).

در روایتی به نقل از امام علی علیه السلام، رسول خدا ﷺ «أَصْحَابُ الْمَشْئِمَةِ» را بر یهود و نصارا تطبیق داده و طی توضیحی فرمودند: «روح ایمان به خاطر انکار حقیقت، از آن‌ها گرفته شده است و مانند حیوانات مشغول دنیا هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۶۴ و ج ۶۶، ص ۱۷۹؛ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۰۷).

هم‌مضمون این روایت از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است (صفار قمی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۱۹۱).

نمونه‌های بیشتری از این نوع روایات را می‌توان ذیل آیات ۱۱۹ سوره هود (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳۸) و ۴۷ سوره حجر (ابن بطریق، ۱۴۰۷، ص ۱۷۰) ملاحظه نمود.

۴-۲-۲- جری

«جری» برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام و شیوه تفسیری ایشان (صفار قمی، ۱۴۰۴، ص ۱۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۹۷)، به معنای جاری کردن و سرایت دادن حکم مصداق تصریح شده در قرآن، به مصادیق کم‌پیدا، ناپیدا و نوپدید است. در واقع گونه‌ای گستره‌بخشی به مصداق‌های هم‌زمان یا استمراربخشی به مصداق‌های نوپدید آیه است.

بر پایه این تعریف تفاوت جری و تطبیق نیز روشن می‌شود. اگر آیه‌ای عام و فراگیر بوده و از استمرار لازم برخوردار باشد، تنها نیاز به تطبیق معنای آن بر مصادیق ناپیدا و نوپدیدش دارد و به‌تنهایی و آسانی به مصادیق پدید آمده پس از نزولش نیز سرایت می‌کند و بر آن‌ها انطباق می‌یابد. نیاز به جری، در جایی است که معنای ظاهری آیه عام نمی‌نماید و یا تطبیقش بر مصادیق نوپدید آن آسان نیست. برای سرایت دادن آیه به زمان پس از نزول و تطبیق بر این‌گونه مصداق‌ها باید گستره و استمرار آیه را شناخت (مسعودی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۷).



جری، گاه در عرصه تأویل و گاه در عرصه تفسیر است. در «جری تأویلی»، ابتدا مفهوم تأویلی آیه استنباط می‌شود و سپس بر مصادیق خارجی آن تطبیق می‌گردد. چنین کاری تنها از راسخان در علم ساخته است و در توان مفسران معمولی نمی‌گنجد. شاید عنایت بیشتر امامان علیهم‌السلام به جری تأویلی، برای ادای همین رسالت بوده است؛ رسالتی سنگین که تنها از ایشان به‌عنوان وارثان حقیقی علم و دانایان به تفسیر و تأویل قرآن برمی‌آید.

یک مراجعه ساده به روایات موجود در منابع تفسیر روایی نشان می‌دهد که بسیاری از جری‌ها در عرصه تأویل‌اند (ر.ک: صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۴). جری تفسیری، سرایت دادن معنای ظاهری آیه، از مصداق‌های اولیه‌اش به مصداق‌های بعدی است. حدیثی که زراره از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده، می‌تواند ناظر به وجود جری تفسیری و تسری طولی آیه باشد. تفسیر قرآن هفت وجه دارد؛ برخی گذشته و برخی هنوز به‌وجود نیامده است، اما امامان علیهم‌السلام آن را می‌شناسند (صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۶).

درباره رابطه جری با تفسیر و تأویل باید گفت: فرآیند جری در ظاهر امر به مفهوم ذهنی و تفسیر و تبیین مفهومی آیه نظر ندارد؛ اما در پس زمینه خود، بر پایه تفسیر و یا تأویل نشسته است. این تفسیر و یا تأویل نهان، در ذهن فردی که آیه را بر مصداق خارجی‌اش تطبیق می‌دهد، وجود دارد و می‌توان آن را پشتوانه علمی جری دانست (مسعودی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۷۴).

برای نمونه، در روایت ابوجارود آمده است که امام باقر علیه‌السلام درباره این سخن خدای عزوجل: «إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ» (اعراف: ۳۰) فرمودند: «منظور قدریه‌ای هستند که به قدر اعتقاد ندارند و ادعا می‌کنند که بر هدایت و گمراهی قادرند و این اختیار را خودشان در دست دارند؛ اگر بخواهند هدایت می‌شوند و هرگاه بخواهند گمراه می‌شوند. آنان مجوس این امت‌اند» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۹؛ حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۸). پر واضح است که در این روایت نورانی، معنای آیه بر «فرقه قدریه» تسری یافته است.

در روایت دیگری، نقل است: هنگامی که معاویه به مدینه آمد و از منبر بالا رفت و خطبه خواند و بر امام علی علیه‌السلام خرده گرفت، امام حسن علیه‌السلام برخاست و خداوند را حمد و ستایش کرد و سپس گفت: «همانا خداوند عزوجل هیچ پیامبری را نفرستاده، مگر اینکه دشمنی را از میان مجرمان برایش قرار داده است و خداوند متعال فرموده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ» (فرقان: ۳۱). حال، من پسر علی بن ابی طالب علیه‌السلام هستم و تو پسر صخر می‌باشی و مادر تو هند است و مادر من فاطمه علیه‌السلام است، و مادر بزرگ تو ثیله است و مادر بزرگ من خدیجه علیه‌السلام؛ حال، خداوند کسی که از میان ما دو نفر اصل و نصب پست‌تر و شهرت کمتر و تنفر بیشتر و نفاق شدیدتری دارد، لعنت کند». سپس افراد داخل در مسجد با صدای بلند دو مرتبه آمین گفتند و معاویه خطبه‌اش را قطع کرد و به خانه‌اش رفت (حلی، بی‌تا، ص ۳۹؛ اربلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۷۳).



چنان‌که مشاهده می‌شود، امام حسن علیه السلام مفهوم «نبی» را بر امام علی علیه السلام و مفهوم «عدو» را بر معاویه جاری دانسته‌اند. نمونه‌های بیشتری از این روایات را می‌توان ذیل آیات شریفه ۲۵۳ بقره (طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۹)، ۶۲ انعام (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۶۲) و ۱۴۶ اعراف (همان، ج ۲، ص ۲۹) مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با آیات متشابه قرآن به نتایج ذیل دست یافت:

۱. نشان داد که این روایات از یک روش‌شناسی نظام‌مند و طبقه‌بندی‌شده برای تبیین و رفع ابهامات این آیات بهره می‌گیرند. این روایات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نخست، روایات ناظر به ظاهر آیات که شامل ایضاح لفظی، بیان شأن نزول، تبیین مفاهیم کلیدی و نقد تفاسیر نادرست هستند و نقش اساسی در رفع سوءبرداشت‌ها و ارائه تفسیری روشن از آیات متشابه دارند. دوم، بیان مصادیق که شامل جری و تطبیق بوده و به کشف معانی باطنی و ژرف‌تر قرآن می‌پردازند. این دسته از روایات، ارتباط آیات را با حقایق هستی‌شناختی و معارف باطنی روشن می‌کنند.

۲. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که اهل بیت علیهم السلام با به‌کارگیری رویکردی دوگانه، هم به تبیین معنای ظاهری آیات پرداخته‌اند و هم با استفاده از جری و تطبیق، به کشف لایه‌های عمیق‌تر معانی قرآن اقدام کرده‌اند. این روش‌شناسی نه تنها از سوءبرداشت‌ها و تفاسیر انحرافی جلوگیری می‌کند، بلکه به فهم جامع‌تر و دقیق‌تر آیات متشابه کمک شایانی می‌نماید. همچنین، گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک ابزار علمی، امکان تحلیل نظام‌مند و دقیق‌تر روش‌های تفسیری آنان را فراهم می‌آورد.

۳. در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، این تحقیق با ارائه چارچوبی نظری برای دسته‌بندی و تحلیل کارکرد روایات تفسیری، گامی فراتر نهاده و بر نقش کلیدی اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات متشابه تأکید کرده است. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به بررسی تطبیقی روش‌های تفسیری شیعه و اهل سنت، تحلیل عمیق‌تر نقش تأویل در فهم آیات متشابه و تعمیم الگوهای تفسیری اهل بیت علیهم السلام به سایر آیات قرآن بپردازند. این مطالعات می‌توانند به توسعه روش‌شناسی تفسیری و درک بهتر از آموزه‌های قرآنی کمک کنند.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بطریق، یحیی بن حسن (۱۴۰۷ق). عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، قم: جماعة المدرسين بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۴ق). فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة.
۳. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۳ق). مسند أحمد، بیروت: دار صادر.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: المطبعة العلمية.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۹۳ق). تأویل مشکل القرآن، بی جا: مكتبة ابن قتیبة.
۷. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۵ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار المعرفة.
۸. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۹. احسانی، کیوان؛ حیدری، کبری (۱۳۹۸). «گونه شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه السلام در سورة بقره با تکیه بر تفسیر احسن الحديث»، احسن الحديث، شماره ۷، صص ۸-۳۲.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة، بی جا: دار الأضواء.
۱۱. اسعدی، محمد؛ طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۰). پژوهشی در محکم و متشابه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. اشعری، ابوالحسن (۱۴۱۹ق). مقالات الإسلامیین و إختلاف المصلین، بیروت: دار النشر.
۱۳. امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی (۱۴۰۹ق). التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۴. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۵. بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۱۶. جزائری، سید نعمت الله (۱۳۸۱ش). النور المبین فی قصص الأنبياء والمرسلین، تهران: فرحان.
۱۷. جمعی از علما (۱۳۸۱). الأصول الستة عشر، تحقیق: ضیاء الدین المحمودی و همکاران، قم: دار الحديث.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین (۱۴۰۹ق). تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: جامعة المدرسين.
۲۱. حلی، علی بن یوسف بن مطهر (بی تا). العدد القویة لدفع المخاوف اليومية (به نقل از کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).
۲۲. حویزی، عبدعلی (۱۴۱۲ق). نور الثقلین، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، دمشق و بیروت: الدار الشامیة و دار العلم.

۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۵ق)، مقدمة جامع التفسير، كويت: دار الدعوة.
۲۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۶. سبجانی، جعفر (۱۳۹۱). تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۷. سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). الإتقان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: منشورات الشریف الرضی.
۲۸. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، تصحیح: محمد عبده، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۲۹. شکرانی، رضا؛ سیدناری، طاهره‌سادات (۱۳۹۷). «پژوهشی نو در گونه‌شناسی مدالیل روایات تفسیری و فواید آن»، حدیث پژوهی، شماره ۱۹، صص ۴۵-۷۶، DOI: 10.22052/0.19.45.
۳۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶ق). التوحید، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۳۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۳۲. صدوق، محمد بن علی (بی‌تا). علل الشرائع، بیروت: دار احیاء التراث.
۳۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام، قم: مؤسسة نشر اسلامی.
۳۴. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). القرآن فی الإسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۱۳ق). الإحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی به، تهران: دار الأسوة.
۳۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار الفکر.
۳۸. طیب حسینی، سید محمود (۱۴۰۱). واکاوی واژگان قرآن در روایات اهل بیت علیهم السلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر، تهران: المطبعة العلمية.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۴۱. قمرزاده، محسن؛ خدا بنده‌لو، ملیحه (۱۴۰۰). «واکاوی مفهوم گونه و کارکرد و تعیین نسبت آن در مطالعات حدیثی»، پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، شماره ۸، صص ۹-۲۸.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم: دار الکتب الإسلامية.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۴. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۴۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۴۶. مسعودی، عبد الهادی (۱۳۹۹). تفسیر روایی جامع (مبانی، منابع و روش)، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحديث.
۴۷. مشهدی، عبد علی (۱۴۲۷ق). کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: انتشارات دار الکتب الإسلامية.



۴۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۴). التمهيد في علوم القرآن، تهران: انتشارات سمت.
۴۹. معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ لغت معین، تهران: امیرکبیر.
۵۰. ناصح، علی احمد؛ بهرامی، فريده (۱۳۹۵). «گونه‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در سورة لقمان»، حسنا، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۱۹۲-۲۱۴.
۵۱. نسایی، احمد بن شعيب (۱۴۱۱ق). السنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلمية.
۵۲. نسایی، احمد بن شعيب (۱۴۰۵ق). عمل اليوم و الليلة، بيروت: مؤسسة الرسالة.
۵۳. نورمحمدی نجف‌آبادی، يحيى؛ نورمحمدی نجف‌آبادی، محمدرضا؛ حاجیان، اکرم (۱۴۰۱). «گونه‌شناسی روایات تفسیری امام علی علیه السلام با تاکید بر تفسیر روایی نور الثقلين»، مطالعات علوم قرآن، شماره ۱۱، صص ۶۴-۹۷، DOI: 10.22081/jqss.2022.62618.1154.
۵۴. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۷ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۵۵. نیسابوری، عبيدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق: محمداقبر محمودی، تهران: مؤسسة الطبع و النشر التابع لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.

